

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عوامل موفقیت در امتحان عصر غیبت

نگارنده:

حسن ملائی

فصل اول؛ ضرورت زمان شناسی

انسان برای موفقیت فردی و اجتماعی و بهره‌وری از عمر خویش که مهریه سعادت اوست، باید شرایط و زمینه‌های آن را فراهم نموده تا با بکارگیری و در نظر گرفتن آن‌ها، رفتار و عملکرد خویش را به گونه‌ای دقیق، تنظیم نماید که مقصود نهایی حاصل شود.

یکی از آموزه‌های اصیل اسلامی که با تاکید خاصی از آن یاد شده و توجه آن را لازمه حرکت عاقلانه انسان تا رسیدن به کامیابی شمرده است، موضوع آگاهی به زمانه و زمان شناسی است. رسول مکرّم اسلام در این زمینه فرمودند: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ، برعاقل لازم است که به زمان خود بینا باشد.

اهمیت این مطلب به قدری است که امیرالمومنین علیه السلام عدم جبهه‌گیری صحیح در برابر زمان را زمینه حمله همه جانبه آن می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ أَمِنَ الزَّمَانَ خَانَهُ وَ مَنْ تَعَطَّمَ عَلَيْهِ أَهَانَهُ وَ مَنْ تَرَعَّمَ عَلَيْهِ أُرْغَمَهُ وَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ أَسْلَمَهُ»، هر که به زمانه اعتماد کند زمانه به او خیانت ورزد؛ هر که به روزگار تکبر کند (از سنن و مقرراتش سرباز زند) روزگار اهانتش کند، هر که خشمگینش کند به خاکش افکند، هر که به آن پناه برد، واگذاردش».

اگر بخواهم سر این عنایت ویژه به شناخت زمان را در روایات دیگر ائمه معصومین پی‌گیری کنیم به نکته جالبی برخورد می‌کنیم؛ به این سخن امام صادق (علیه السلام) توجه بفرمایید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ، کسی که مطلع از زمان خود باشد گرفتار شبهات و مسائل مبهم نمی‌شود».

ملاحظه می‌فرمایید که برای جلوگیری از آسیب دیدگی و ناکامی شخص، مخصوصاً در عقاید و باورها که پایه‌های یک زندگی موفق را تشکیل می‌دهد و نیز در نحوه برخورد وی با موانع و فرصتها، شناخت زمان، ضروری است. با این بیان روشن شد که همان‌گونه که یکی از اندیشمندان به آن تصریح نموده است: «مقصود از «زمان» در اینجا زمان تاریخی و تقویمی نیست، بلکه زمان فکری و فرهنگی و زندگی معاصر است، که انسان هر عصر در آن به سر می‌برد، با همه چیزهایی که در آن است، از زبان و سنت و اقلیم و زیستن در اشکال گوناگون و فرهنگ، و اقتصاد و فلسفه‌ها و سیاستها و علوم و اکتشافات و اختراعات و فنون و کتابها و هنرها و متفکران و دیگر محتویات هر عصر».

ذکر این نکته لازم است که هدف از شناخت زمان، الزاماً به معنای تسلیم شدن و منطبق دادن اعمال با آن نمی‌باشد، بلکه به معنای شناخت و استفاده بهینه از ظرفیت زمان هست، کما این‌که

استاد شهید مطهری به آن تصریح نموده و می فرماید: « شناسایی عصر و زمان خود، این است که دوران‌دیشی و تیزهوشی و درک مقتضیات زمان [داشته باشیم] نه به معنی اینکه عوامل زمان چه تقاضایی دارد و چه می‌خواهد که ما هم همان را بخواهیم، بلکه به این معنی که عوامل زمان ما چیست که ما از خویش استفاده کنیم و با بدش مبارزه کنیم [لازم است].

چه بسیار اعمالی که اگر در جای خویش و به وقت خویش انجام شوند، بهره‌های فراوانی را نصیب عامل آن نمایند و برعکس اگر در غیر وقت خویش و بدون توجه به زمان حال صورت گیرند، نتیجه‌ای جز ناکامی و از دست دادن امکانات مادی و معنوی نخواهند داشت که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَعَ التَّثَبُّتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ وَمَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ النَّدَامَةُ وَمِنْ ابْتِدَاءِ بِعَمَلٍ فِي غَيْرِ وَقْتِهِ كَانَ بُلُوغُهُ فِي غَيْرِ حِينِهِ ، بهمهراه تأنی و مشورت سلامتی است و بدنبال شتاب‌زدگی پشیمانی و هر که بی‌موقع کاری را شروع کند نتیجه‌اش نیز بی‌موقع خواهد بود». بنابراین بسیار به‌جاست که قبل از هرگونه اقدام و عملی که برای رسیدن به اهداف خود در نظر گرفته‌ایم به زمانه خویش توجه و شناخت درستی پیدا کنیم تا هم از ظرفیتهای موجود بهره ببریم و هم از ناکامی در نتایج عمل، مصون بمانیم و همیشه این کلام امیر حکمت و بیان امیرالمؤمنین علیه السلام را مد نظر داشته باشیم که: «إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوِالتَّسَاقُطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا أَوِ اللِّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوِ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ فَضَعُ كُلِّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ عَمَلٍ مَوْقِعَهُ».

فصل دوم: غیبت امام مهدی (علیه السلام)، واقعیتی انکار ناپذیر

یکی از مسلمات مذهب شیعه اثنی عشری که قائل به دوازده امام و جانشین پس از نبی مکرم اسلام هستند، موضوع غیبت امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. از زمان خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، موضوع غیبت امام مهدی ارواحنا فداه تا زمان امام یازدهم ، حضرت عسکری(ع) مکرر بیان وگوشزد شده است تا مسلمانان و بخصوص شیعیان در برخورد با آن، آمادگی داشته باشند که در ذیل به برخی از احادیث در این باره اشاره می شود:

الف- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خَلْقًا يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ».

ب- امیرالمؤمنین علی علیه السلام : ... «لَكِنِّي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْخَادِي عَشْرَ مِنْ وَوَلَدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ».

ج- امام باقر علیه السلام : «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ».

د- امام صادق علیه السلام: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِخْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ».

ه- امام صادق علیه السلام : «إِنَّ بَلَّغَكُمْ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةٌ فَلَا تُنْكِرُوهَا» .
و- امام عسکری علیه السلام : «إِنَّ لَوْلَدِي غَيْبَةٌ يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ» .
همان‌طور که ملاحظه فرمودید، حجم روایات در این زمینه آن‌قدر زیاد است که قابل انکار نیست. تاکید معصومین به وقوع غیبت امام دوازدهم و بیان حوادث این دوره و نیز راهکارهای مقابله با فتنه‌هایی که در این دوره زمانی دامنگیر مسلمانان و بویژه شیعه می‌شود، همه و همه گویای حتمی بودن و حساسیت خاص عصر غیبت نشان دارد.
بطوری که هر کسی که روایات باب غیبت را ملاحظه کند، به سادگی اهمیت و حساسیت این دوره را در سیر تاریخی اسلام و تشیع درک خواهد نمود.
از این میان ، امتحان و عصر غیبت دو واژه‌ای هستند که همانند دو برادر به هم چسبیده، سایه به سایه در روایات عصر غیبت خودنمایی می‌کنند. با توجه به همین رابطه تنگاتنگ و نیز ضرورت شناخت دقیق عصر غیبت و بایسته‌های آن، که در قبل بیان شد، لازم است پیش از هرگونه تلاش و فعالیت هدفمندی ، با دوره‌ای که خود نیز در آن قرار داریم و نیز با عوامل و شرایط و ویژگی‌های آن خوب آشنا شویم تا در نتیجه این بصیرت ، برعملکردها و تلاش‌های خود، مدیریت قابل قبولی نماییم.

بخش دوم

عصر غیبت و امتحان

فصل اول: مفهوم امتحان و لغتهای هم‌سو:

امتحان در لغت به معنای آزمودن است. این لغت از ریشه «م- ح- ن» به معنای تازیان زدن و گداختن گرفته شده است، در زبان عربی «امتحنت الذهب» یعنی طلا را در آتش قرار دادم تا آزمایش شده و خالص شود. صاحب التحقیق، عادت و اصرار در آزمودن را قید خاص این لغت و وجه تمییز آن از لغات مشابه گرفته و می‌گوید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ اخْتِبَارٌ وَ تَحْصِيلُ نَتِيجَةِ الْبَالِدَابِ وَ الْجِدَّةِ فِي الْعَمَلِ... فَالْقِيدَانِ (الْاِخْتِبَارُ، بِالْدَابِّ) مَنْظُورَانِ فِي الْأَصْلِ. وَ لَا بَدَّةَ فِي كُلِّ مِنَ الْمَعَانِي الْمَذْكُورَةِ أَنْ يَلَاحِظَ الْقِيدَانِ، وَ إِلَّا فَيَكُونُ مَجَازًا. اِيشَانِ هَمْچِنِينَ، تَصْفِيهِ وَ تَخْلِيصِ رَا

از آثار و لوازم امتحان می داند و می گوید: و أمّا التصفیة و التخلیص و النظر و التذلیل و الشرح و التهذیب و التوسعة: فمن آثار الأصل و لوازمه».

از جمله لغات دیگری که به نوعی مفید معنای آزمایش می باشند عبارتند از : «فتنه» ، «تمحیص» و «ابتلاء» و که هر یک دارای خصوصیتی است.

فتنه، از ریشه «ف-ت-ن» به معنای اختبار و آزمودن می باشد. گرچه مؤلف ارزشمند تحقیق در این معنی تأمل جدی داشته و فتنه را وسیله‌ای برای شروع امتحان قلمداد می کند، ایشان در تبیین معنای آن می گوید: «أنّ الأصل الواحد فی المادّة (فتن): هو ما یوجب اختلافا مع اضطراب. فما أوجب هذین الامرین فهو فتنه. و لها مصادیق: كالأموال، و الأولاد ... فالفتن لا یدلّ بأزید عن التزلزل و التنبّه. و التنبّه الصرف و التردید لا یزید لصاحبه إلّا تحوّلاً إمّا الی خیر أو شرّ و فساد، و هذا أمر ضروریّ فی جریان كلّ حركة، حتّى یتحصّل الاطمینان و الاستحکام و الثبوت فی أیّ طریق و جریان صلاحاً أو فساداً... فظهر أنّ الافتتان أوّل مرتبة من الابتلاء و الامتحان و الاختبار، و هو یدوم الی أن یحصل الاختبار و النتيجة، و علی هذا یطلق الافتتان فی القرآن الکریم فی موارد الإستخبار و تحویل النتيجة».

نکته قابل دقتی که بعضی از کارشناسان لغت و مفسرین، درباره واژه فتنه گفته اند این است که بر خلاف ذهنیت و تصور انسانها از واژه فتنه، همیشه آن چه که به عنوان وسیله آزمون و فتنه‌گری به کار برده می شود، چیز تلخ و ناخوشایندی که با طبیعت و میل انسان سازگار نباشد و چه بسا انسان حتی با چیز مورد میل و علاقه اش مورد آزمایش قرار گیرد، کما اینکه صاحب لسان العرب یکی از معانی فتنه را اعجاب و شیفستگی به یک شیء می داند و می گوید: «و الفِتنَةُ: إعجابک بالشیء» و او برای استدلال خویش به برخی استعالات عرب توسل می جوید و این شاهد استعمال را می آورد که «فَتَنَ الرَّجُلُ بِالْمَرْأَةِ وَ افْتَتَنَ، وَ...فَتَنَتِ الْمَرْأَةُ إِذَا وَلَّهَتْهُ وَأَحْبَبَهَا». با این توضیح معلوم می شود در برخی موارد فتنه آزمودی است که با امور به ظاهر زیبا و فریبنده صورت پذیرد. البته این مطلب مؤید قرآنی هم دارد، نظیر آیه ۳۵ سوره انبیا که به صراحت می فرماید: «وَ نَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتنَةً وَ إِلینَا تُرْجَعُونَ». در بعضی از آیات قرآنی نیز برخی مصادیقی خیر و مورد طبع و علاقه انسان به عنوان فتنه گوشزد شده است نظیر آیه ۱۵ سوره تغابن که می فرماید: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتنَةٌ».

تمحیص، عبارتند از خالص کردن شیء از زواید و عیوب به شرطی که با ابقا و تثبیت شیء همراه باشد که البته این کار با امتحان همراه خواهد بود.

ابتلاء در لغت، از ریشه بَلُو یا بَلَى به معنای ایجاد تحول و دگرگونی تا حصول نتیجه می‌باشد که البته لازمه آن، آزمایش و امتحان می‌باشد و از همین روست که اکثر لغت شناسان در تعریف ابتلاء، به ملازمه آن اشاره نموده اند.

فصل دوم: سنت حتمی امتحان و اهداف آن

امتحان بشر- آن چنان که از آیات متعدد قرآن برمی‌آید- از جمله سنتهای حتمی الهی است: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ».

«اصل این سنت در عالم تشریح و تکوین براساس قوانین دائمی و ثابت استوار است و هیچ‌گونه تبدیل و جایگزینی «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» و تحویل و دگرگونی را بر نمی‌تابد، «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا». سنت امتحان همچون دیگر سنتهای خداوند مطلق و فراگیر است، از این رو به دوره و گروهی خاص از انسانها اختصاص ندارد و بر همه افراد و اقوام از گذشته و حال و آینده حاکم است. امتحان به مقتضای عموم «الناس» شامل انسانهای عادی و توده مردم و نیز شامل انسانهای والا همچون انبیای الهی می‌گردد».

حضرت ابراهیم، حضرت موسی و بسیاری دیگر از پیامبران علیهم السلام از جمله کسانی هستند که به تصریح قرآن با امتحان‌هایی سخت و شدید آزموده شدند. آن چه از آیات و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود آن است که امتحان همه افراد در یک سطح نبوده و هر که ایمانش صحیح‌تر و عملش نیکوتر است امتحان وی شدیدتر است. «ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَلَاءُ وَ مَا يَخْصُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ سِئِلَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأُمَثَلُ فَالْأُمَثَلُ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخَفَ إِيمَانُهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ».

راز این سنت الهی را باید در شکوفایی و بالفعل رساندن استعدادهای انسانی جستجو نمود، چنان که علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن درباره حقیقت امتحان می‌فرماید: «فمن حق الأشياء على الله تعالى هدايتها تكوينا إلى كمالها المقدر لها و هدايتها إلى كمالها المشرع لها، و قد عرفت فيما مر من مباحث النبوة أن التشريع كيف يدخل في التكوين و كيف يحيط به القضاء و القدر فإن النوع الإنساني له نوع وجود لا يتم أمره إلا بسلسلة من الأفعال الاختيارية الإرادية التي لا تقع إلا عن اعتقادات نظرية و عملية فلا بد أن يعيش تحت قوانين حقه أو باطله، جيدة أو رديئة، فلا بد لسائق التكوين أن يهيئ له سلسلة من الأوامر و النواهي (الشريعة) و سلسلة أخرى من الحوادث الاجتماعية و الفردية حتى يخرج بتلاقيه معهما ما في قوته إلى الفعل فيسعد أو يشقى و يظهر ما

فی مکن وجوده، و عند ذلك ینطبق علی هذه الحوادث و هذا التشریح اسم المحنة و البلاء و نحوهما».

قطعاً آن چه در پی امتحان به وقوع خواهد پیوست ، قبولی عده‌ای و مردود شدن جمعی دیگر، پس از تمام شدن حجت بر آنهاست، این حقیقت که در واقع جدایی دو گروه را نشان می‌دهد با تعبیرهای مختلفی در قرآن و روایات بیان شده است:

۱- خالص سازی مؤمنان و نابودی کافران: «و لِيَمَّخَصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا و يَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ».

۲- شناخته شدن نیکوکارتران: «لِيَبْلُوَكُمْ اِيْكُمْ اِحْسَنُ عَمَلًا».

۳- مشخص شدن افراد صادق: «و لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِيْنَ»

۴- مشخص شدن مجاهدان و صابران: «و لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتّٰى نَعْلَمَ الْمُجٰهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصّٰبِرِيْنَ».

۵- مشخص شدن راضی و ناراضی به تدبیر خدا، امیرالمومنین فرمود: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ اغْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ لِيَتَّبِيْنَ السَّخِطَ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ وَ إِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ لَكِنْ لِيَتَّظَهَرَ الْأَفْعَالُ الَّتِيْ بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَ يَكْرَهُ الْإِنَاثَ وَ بَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَ يَكْرَهُ انْتِثَامَ الْحَالِ».

ملاحظه می‌فرمایید که در همه این موارد هدف این است که «يَمِيْزَ الْخَبِيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ» تا بدین وسیله بهشت و جهنم، ساکنین خود را بشناسد.

در هر حال آنچه که توجه به آن ضروری است، این مطلب است که سنت امتحان هیچ‌گاه تعطیل بردار نیست کما این که علامه طباطبایی می‌فرماید: «مسأله امتحان چیزی نیست که قابل نسخ باشد، برای اینکه نسخ شدنش عین فساد تکوین است، که امری است محال، و آیاتی که خلقت را بر اساس حق می‌داند، و نیز آیاتی که مسأله بعث را حق می‌داند بر این معنا نیز دلالت و حد اقل اشاره دارد، مانند آیه «مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (احقاف، آیه ۳)».

فصل سوم: دشواری امتحان در عصر غیبت

مرور بر تاریخ امتحان انسان و مخصوصاً خداپاوران و مدعیان شریعت، این نکته را گوشزد می‌کند که در برهه‌هایی از زمان، این سنت ، قوت بیشتری یافته و به خاطر علت و حکمت‌های خاصی، بر شدت آن افزوده می‌شود؛ حتی ملاحظه تاریخ اسلام و بویژه شیعه، از صدر آن تاکنون نیز گواه این

مدعاست و در مواقعی همچون زمانه امام حسین علیه السلام، ما نظاره‌گر پرنگ‌تر شدن امتحان مسلمانان و شیعیان و در نتیجه مردود شدن تعداد زیادی از مدعیان اسلام و تشیع هستیم. یکی دیگر از دورانی که در روایات ائمه معصومین علیهم السلام، زمانه امتحان شدید مؤمنان قلمداد شده، عصر غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام است، مرور بر روایات ذیل که تنها بخشی از احادیث معصومین در این زمینه هست، به روشنی بیان‌گر این حقیقت انکار ناپذیر می‌باشد:

۱- عَنْ يَمَانِ التَّمَارِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جُلُوسًا فَقَالَ: لَنَا إِنْ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْتُكُمْ يُمْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا

۲- امام صادق علیه السلام: «مَعَ الْقَائِمِ مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنْ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُعْرَبَلُوا وَ سَيَخْرُجُ مِنَ الْعَرَبِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»

۳- امام باقر علیه السلام: «وَ اللَّهُ لَتُمَيَّزُنَّ وَ اللَّهُ لَتُمَحَّصُنَّ وَ اللَّهُ لَتُعْرَبَلُنَّ كَمَا يُعْرَبَلُ الزُّوَانُ مِنَ الْقَمَحِ»

۴- «عَنِ الْبَزَنْطِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ: أَمَا وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَيَّزُوا وَ تُمَحَّصُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ ثُمَّ تَلَا أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»

براستی که حتی یکی از این روایات، کافی است تا پشت انسان را بلرزاند و او را متنبه و برای پیروزی در این امتحان بسیار، دشوار آماده سازد.

فصل چهارم: امتحان صداقت در دیانت و امامت

با توجه به قانون امتحان انسانهای مؤمن در طول تاریخ و نیز امتحان ویژه ایشان در عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه، این سؤال در ذهن به وجود می‌آید که انگیزه امتحان چیست؟ با توجه به آنچه قبلاً بیان شد، باید گفت گوهر سعادت و فلاح انسان، همانا ایمان و باور حقیقی به خدا و اوامر اوست که «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، اما این در صورتی است که مدعی ایمان، در ادعای خویش صادق باشد و این به دست نمی‌آید مگر بعد از آزمودن وی که البته در این مسیر، ظرفیت و لیاقت بهشت و نعمتهای بی‌مانندش را کسب خواهد نمود.

در مورد امتحان شیعیان در دوران غیبت نیز مقصود همین اثبات راستی و تمییز صادقان از دروغ‌گویان در دین و امامت ائمه دوازده‌گان است - که اکمال و اتمام دین به تصریح قرآن کریم، به ایشان است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»، امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ ص حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ بَيَّنَّ فِيهِ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ - مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْزَلَ فِي حَبَّةِ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عُمْرِهِ ص الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ أَمُرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمُضِ ص حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَّهُمْ عَلَى قَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَ عَلِمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيَّنَّهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنْ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ؟!» به همین جهت، در روایات مربوط به امتحان، به این مطلب تصریح شده و ما به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- امام هادی علیه السلام : «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ... أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ... وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ»

۲- امام کاظم علیه السلام: «إِذَا فَقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ فَاللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يَزِيلَنَّكُمْ عَنْهَا فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ يَمْتَحِنُ اللَّهُ بِهَا خَلْقَهُ وَ لَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَ أجدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا الدِّينِ لَاتَّبَعُوهُ»

۳- امام رضا علیه السلام: «الم، أ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ، ثُمَّ قَالَ لِي مَا الْفِتْنَةُ؟ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ الَّذِي عِنْدَنَا الْفِتْنَةُ فِي الدِّينِ، فَقَالَ: يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ ثُمَّ قَالَ يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ»

۴- امام باقر علیه السلام: «لَتَمَحَّضَنَّ يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ تَمَحِيصَ الْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ وَ إِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي مَتَى يَقَعُ الْكُحْلُ فِي عَيْنِهِ وَ لَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَ كَذَلِكَ يُصْبِحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُمْسِي وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَ يُمْسِي عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُصْبِحُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا».

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، فتنه در دین و پیروی از امر امامت، بزرگترین امتحانی است که در دوره غیبت، بیش از هر زمان دیگر، شیعیان را با خود درگیر خواهد نمود و باید ایشان با

استفاده از راهکارهایی که در ادامه نوشتار، ارائه خواهد شد، خود را برای رویارویی و موفقیت در این آزمون آماده کنند.

فصل پنجم: منزلت مؤمنان حقیقی در عصر غیبت

حال که بحث از آزمون دشوار عصر غیبت شد، به جاست که به طور مختصر، منزلت و جایگاه کسانی را که در این آزمایش سنگین موفق می‌شوند، بررسی نماییم تا انگیزه و شوق بیشتری برای پیروزی در این آزمون برای ما و هر خواننده‌ای حاصل شود.

۱- رسول مکرم اسلام(ص): درباره مومنان حقیقی و پیروان راستین امامت در دوران غیبت امام مهدی ارواحنا فداه می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۲- و نیز می‌فرماید: «سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَ أَحَدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ».

۳- امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ لَا مِيثَاقُهُ فَعِنْدَهَا فَتَوْفَعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً».

۴- امام سجاد علیه السلام: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوَالِنَا فِي غَيْبَتِهِ قَائِمَنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ».

۵- امام باقر عیه السلام: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَ لَمْ يَرُونِي لَقَدْ عَرَفْنِيهِمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الغَضَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غِبْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ».

چه کسی است که این روایات نورانی را بخواند و به مقام مؤمنان و منتظران حقیقی غبطه نخورد و چنین مقام بلندی را از صمیم دل آرزو نکند.

فصل ششم: ابزارهای امتحان

خداوند انسانها را با ابزارهای گوناگون مورد امتحان قرار می دهد، این امتحان زمانی با امور ملایم با طبع و موقعی با ناملايمات همراه است که «وَنَبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً، وَ بَلَوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ».

با توجه به توضیح بالا، می توان وسایل امتحان را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

الف. امور ملایم با طبع (مال، فرزند، مقام و امکانات دنیوی): «أَمَّا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ،» «رَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ»، «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ».

ب. امور ناملايم با طبع (ترس، گرسنگی، کاهش اموال، جانها و میوهها، ضعف مؤمنان، جهاد و دستورات الهی): «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ»، «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ»، «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا...أَنَّمَا يَبْلُوَكُمْ اللَّهُ بِهِ».

مصادیق بالا، جزء مواردی است که به طور عمومی در همه زمانها و همه افراد ممکن است مورد استفاده قرار گیرد، اما در بعضی زمانها و برای بعضی افراد و اقوام، ممکن است وسایلی خاص برای آزمایش، مورد استفاده قرار گیرد مثل مواردی که در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام و نیز اقوامی چون قوم صالح و بنی اسرائیل در قرآن ذکر شده است؛ لازم به ذکر است که این، بدان معنی نیست که خداوند متعال، هم زمان از ابزارهای عمومی ذکر شده نیز برای امتحان بهره نمی گیرد، بنابراین توجه به هر دو دسته از ابزارها برای موفقیت در آزمون الهی لازم و ضروری است.

با نگاهی به روایات غیبت امام دوازدهم، در می یابیم که غیر از وسایل عمومی، خداوند متعال در این دوره از ابزارهای خاصی برای امتحان شیعیان بهره می برد که شاید کمتر و لااقل به صورت یکجا در زمانهای دیگر به صورت عمومی استفاده می شده است. اگر بخواهیم بلاهایی که دامن گیر شیعه و امت اسلام می شود را در یک جمله خلاصه کنیم، می توان از شیوع بی سابقه جهل، ظلم، فساد، تعطیلی دستورهای الهی، بلاهای گوناگون و غیره سخن گفت که ما برای نمونه، به برخی از این روایات را ذکر می کنیم:

الف. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حَبِيبَتِي فَاطِمَةُ!... مِنْهَا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَ مَرَجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَعَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ

صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرٌ يُوقَّرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ
يَفْتَحُ حُصُونَ الصَّلَاةِ وَ قُلُوبًا غَفْلَاءَ يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتَ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمْلَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا».

ب. امام باقر عليه السلام فرمود: «لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عِلاَّ عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ
يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشْتَّتِ
فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً مِنْ عِظَمِ مَا يَرَى مِنْ
كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا وَ خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَّاسِ وَ الْقُنُوطِ».

ج. امام باقر عليه السلام فرمود: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَّقَرُّونَ وَ
يَتَنَسَّكُونَ حُدُثَاءَ سَفَهَاءَ لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيًا عَنِ الْمُنْكَرِ إِلاَّ إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ
لِأَنْفُسِهِمُ الرِّخْصَ وَ الْمَعَاذِيرَ يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادَ عَمَلِهِمْ يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ مَا
لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَوْ أَضْرَبَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفَضُوهَا كَمَا
رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفَهَا إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ
الْفَرَائِضُ».

گرچه احادیث فتنه‌های آخرالزمان بسی بیشتر از این مقدار است اما، همین چند روایت بالا،
به روشنی بیانگر لزوم آمادگی بسیار بالا برای مقابله با این آزمون دشوار است، موفقیتی که با
عدم تمهیدات لازم حاصل نخواهد شد.

بخش سوم

عوامل موفقیت در امتحان عصر غیبت

فصل اول: منابع شناخت عوامل موفقیت

آنچه تاکنون بیان شد، زمینه بیان این حقیقت بود که روزگار غیبت امام دوازدهم حضرت حجه
بن الحسن علیه‌السلام، عصری استثنایی و شاید بی‌نظیر در طول تاریخ می‌باشد که حق پرستان و
مؤمنان به گونه‌ای بی‌سابقه با انواع بلاها درگیر می‌شوند و همین امر بر ضرورت شناخت هرچه
بیشتر برای آمادگی و مقابله با این فتنه‌ها می‌افزاید.
بهترین و مطمئن‌ترین منبعی که می‌تواند در شناخت هر چه بیشتر و کامل‌تر عوامل توفیق و
سربلندی در این آزمون بزرگ، به ما کمک کند، منبعی است که به علم خداوندی متصل شده
باشد و ما درباره این منابع، توضیح خواهیم داد.

اول: قرآن کریم

قرآن کریم، این کتاب آسمانی که از جانب خداوند متعال برای هدایت بشر به پیامبر عظیم الشأن اسلام نازل شده است، بهترین وسیله برای شناخت اسباب توفیق ما در مشکلات و عبور از بحران فتنه آخرالزمان است. خدای متعال که در خود قرآن، آن را به حکمت وصف نموده و فرمود: «وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» در اهمیت این کتاب آسمانی با بیانه‌های مختلفی که جایگاه ویژه آن را روشن می‌کند، می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» و نیز: «وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».

پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام نیز بارها در رجوع به این کتاب حیات‌بخش در همه حال و بویژه در هنگام مشکلات، سفارش زیادی فرموده‌اند، رسول اکرم می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ هُدْنَةٍ وَ إِنَّ السَّيْرَ بِكُمْ سَرِيعٌ وَ قَدْ رَأَيْتُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ كَيْفَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يُقَرِّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ فَقَالَ لَهُ الْمُقَدَّادُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ مَا الْهُدْنَةُ فَقَالَ دَارٌ بَلَاءٍ وَ انْقِطَاعٍ فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْأُمُورُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ صَادِقٌ مُصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ أَوْضَحُ دَلِيلٍ إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَ مَنْ عَمِلَ بِهِ أَجَرَ وَ مَنْ حَكَمَ بِهِ عَدَلَ»

دوم: سیره معصومان

نبی مکرم اسلام و اهل بیت علیهم السلام ایشان دومین منبعی هستند که موجب نجات ما از هلاکت در امواج فتنه خواهند شد. ایشان، سفینه‌های نجاتی هستند که به دستور امیرالمؤمنین باید در هنگامه بلا به آنها پناه برد حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ» و رسول مکرم اسلام در تبیین مصادیق این کشتی نجات فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيَأْتِمَّ بِالْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَ سَادَةُ أُمَّتِي وَ قَادَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ»، كما این که به عنوان آخرین وصیت خویش به امت اسلام قرآن و اهل بیت خویش را در کنار هم معرفی نموده و حفظ آن دو را ضامن هدایت شمردند و فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَغَتْ إِنَّكُمْ سَتَرْتُمْ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلْكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا وَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ».

بنابراین بر همه مسلمانان فرض است که با تمسک به آموزه‌های قرآن و اهل البيت، زمینه موفقیت خود را از فتنه‌های سهمگین آخرالزمان فراهم نمایند.

فصل دوم: ایمان، بنیان موفقیت در امتحان

همان طور که از آیات و روایات معصومین فهمیده می‌شود، این نکته به دست می‌آید که اساس امتحان مؤمنان، همان آزمودن صداقت ایمان آنهاست که بهای بهشت است، چرا که قرآن می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ».

بنابراین بنیان مقاومت در برابر تمامی فتنه‌ها نیز جز همین امر نیست. حضرت صادق ضمن تشریح اوضاع آخرالزمان، ایمان مستحکم را شرط نجات از فتنه آن عصر معرفی نموده و فرمودند: «وَلَتَفِيضَنَّ عَلَيْهِ أَعْيُنُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَيُكْفَأَنَّ كَتَكْفُؤَ السَّفِينَةِ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ حَتَّى لَا يَنْجُوَ إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِهِ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ».

از همین رو به دلیل این که نوک تیز همه فتنه فتنه‌گران، ایمان مؤمنان و نابودی آن را نشانه رفته، بایستی تمام تلاشها برای حفظ و تقویت این عنصر ارزشمند و سرنوشت‌ساز که در واقع محور قرار دادن خدا در تمام شؤون زندگی آدمی است صورت گیرد.

اگر بخواهیم تعریفی اجمالی از ایمان ارائه دهیم، این روایت شریف در بیان حقیقت ایمان بسیار به جا خواهد بود، امام علی (ع) فرمود: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ: يَا عَلِيُّ اكْتُبْ فَقُلْتُ مَا اُكْتُبُ فَقَالَ اُكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْإِيمَانَ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ وَ صَدَّقْتَهُ الْأَعْمَالُ وَ الْإِسْلَامَ مَا جَرَى عَلَى اللِّسَانِ وَ حَلَّتْ بِهِ الْمُنَاكَحَةُ».

مطلبی که در بحث ما توجه به آن سزاوار به نظر می‌رسد، شناسایی ارکان ایمان و تقویت آنهاست، باید دید که این پایه‌ها چیست و در گام بعد برای تثبیت آن اقدام نمود.

فصل سوم: عوامل موفقیت

ما در این نوشتار با استفاده از دو منبع ارزشمند قرآن و اهل بیت، تعدادی از عوامل و زمینه‌های حفظ و تثبیت ایمان و در نتیجه توفیق در آزمون دشوار عصر غیبت امام مهدی را برای بهره‌برداری و مدیریت صحیح بر چگونگی برخورد با فتنه‌های عصر غیبت، نام برده و موفقیت همه شیعیان و مؤمنان را از خداوند عزوجل خواهانیم.

گفتار اول: توفیق و عنایت الهی

بدون شک هیچ موفقیتی جز با عنایت خداوند عالم که همه چیز ملک او و در دست قدرت اوست، به دست نخواهد آمد، این امر مطلبی است که بارها در قرآن تذکر داده شده و هر مقاومتی و پیروزی در طول تاریخ برای جبهه ایمان رخ داده، برخاسته از امداد و نصرت خداوندی بوده است. قرآن کریم می فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ». این امدادها با شکلهای مختلف برای مؤمنان صورت گرفته است که در ذیل، گونه‌هایی از آن شمرده می شود؛

الف. نازل نمودن روح القدس: «قُلْ نَزَّلَهُ رُوْحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَ بُشْرٰى لِّلْمُسْلِمِيْنَ».

ب. اندک نشان دادن تعداد دشمنان: «إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلاً وَ لَوْ ءَرَآكُهُمْ كَثِيراً لَّفَشِلْتُمْ وَ تَلْتَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ».

ج. ایجاد رعب در دشمن: «وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صِيَاصِيهِمْ وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا».

د. نازل کردن سکینه بر دلها: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَ ءَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا».

بنابراین همیشه باید در ذهن داشت که ما فقط وسیله‌ها را فراهم می‌کنیم اما آن که اثر را می دهد خدای تواناست.

گفتار دوم: صبر و پایداری

«وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» و امام صادق علیه السلام فرمود: «ان لقيام القائم علامات يكون من الله عزوجل للمؤمنين قلت: و ما هي جعلني الله فداك؟ قال: ذلك قول الله عز و جل و لنبلونكم يعنى المؤمنين قبل خروج القائم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين».

بی شک صبر و پایداری در راه حق و خارج نشدن از صراط مستقیم الهی، عامل اصلی موفقیت ما در هر مشکل و بحرانی خواهد بود، قرآن کریم با بیانی شیوا می‌فرماید: «وَ قَالَ الَّذِينَ ءَاوْتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلَاقَهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ».

قدرت پشتیبانی این ویژگی در انسان به اندازه‌ای است که خداوند متعال برای نیرو گرفتن روحی و معنوی برای غلبه بر سختیها می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

با توجه به اینکه اساس امتحان در هر دوره و به ویژه در آخرالزمان، بررسی ایمان مسلمانهاست و از طرفی، با توجه به جایگاه صبر در روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ»، معلوم می‌گردد که این عنصر در توفیق ما تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد بنابراین تلاش برای تقویت زمینه‌های مقاومت در انسان خود، کوششی قابل تحسین برای رسیدن به مقصود و دفع بلاها خواهد بود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الصَّبْرُ أَدْفَعُ لِلْبَلَاءِ».

آری! همانگونه که رسول اعظم اسلام فرمود: «أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، أَمَا كَسْبَ إِيْنِ گُوهر گرانبها نیز حاصل آگاهی به مقدمات و تهیه زمینه‌های آن خواهد بود که بدون آگاهی و زمینه سازی، نه صبر و مقاومتی خواهد بود و نه پیروزی و موفقیتی که «و كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا»

اما ستونهایی که عنصر صبر را در ما ثابت نگه می‌دارد چیست؟ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ، الصَّبْرُ وَ الْيَقِينُ وَ الْعَدْلُ وَ الْجِهَادُ، وَ الصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ الشَّوْقُ وَ الْإِسْفَاقُ وَ الزَّهَادَةُ وَ التَّرَقُّبُ أَلَا مَنْ اِشْتَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ وَ مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ»، ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، و یقین، و عدل، و جهاد. و صبر چهار شعبه دارد: شوق و هراس و بی‌اعتنایی و انتظار، بدان، هر که به بهشت مشتاق باشد دل به شهوات ندهد، و هر که از آتش بهراسد از کارهای ناروا روی‌گرداند، و هر کس در دنیا زهد پیشه کند مصیبت‌ها بر او آسان نماید، و هر کس مراقب و منتظر مرگ باشد بکارهای خیر بشتابد.

براستی هیچ کلامی درباره ارکان صبر، از این جملات، دقیق‌تر، حکیمانه‌تر و برای عبور از آزمون عصر غیبت راهش‌تر خواهد بود؟

گفتار سوم: آگاهی به دستورهای الهی

به همان اندازه که جهل و نادانی بهترین زمینه گمراهی انسانهاست، علم به دین که همان صراط مستقیم الهی است، نیکوترین زمینه برای هدایت و نجات خواهد بود، به راستی چه زیبا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الْعِلْمُ يَنْجِيكَ، الْجَهْلُ يُرْدِيكَ»، اگر همه دوستداران حضرتش به این کلام نورانی ایشان توجه کنند و در زندگی خود فراگیری علم دین- که ضروری‌ترین دانش‌هاست- را جزء برنامه‌های اصلی خود قرار دهند، از بسیاری از آفات و بلاها در امان خواهند بود چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: «اغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ أَحِبَّ أَهْلَ الْعِلْمِ وَ لَا تَكُنْ رَابِعًا فَتَهْلِكَ بِبُغْضِهِمْ».

با توجه به اعلام مردود شدن اکثر مردم در روایات آخرالزمان و بررسی زمینه‌های آن در خود احادیث ائمه معصومین علیهم السلام، بی‌توجهی مردم و جامعه اسلامی نسبت به فراگیری معارف دینی، یکی از ارکان این شکست بیان شده است چنان‌که پیامبر اکرم در وصف وضعیت آستانه ظهور - از جانب خداوند متعال - فرمود: «يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ».

بسیاری از خرافات و انحرافات در بین مردم که به نام دین عرضه می‌شود، تنها در بستر جهل و آشنا نبودن به احکام اسلام است که رواج می‌یابد.

رسول اکرم فرمود: «سَتَكُونُ فِتْنُ الرَّجُلِ فِيهَا يُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَ يُمَسِّيَ كَافِرًا اِلَّا مَنْ اَحْيَاهُ اللهُ تَعَالَى بِالْعِلْمِ».

با توجه به اهمیت و نقش آشنایی و شناخت دستورات اسلام در عبور موفق از بحران غیبت، توجه به این امر و ارتباط مستمر با فقها و اسلام شناسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

گفتار چهارم: بصیرت و معرفت قلبی

در قرآن با دو گونه بینایی ظاهری و باطنی (قلبی یا به تعبیری عقلی) مواجه می‌شویم که در روایات و تفاسیر از آن به بصر و بصیرت تعبیر شده است. دانشمندان مسلمان با استناد به آیات قرآنی بر این عقیده‌اند که در قلب انسان، نیرویی برای دریافت نور الهی وجود دارد و برای اثبات این مدعا به آیه ۲۲ زمر استناد می‌کنند: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ»؛ عرفا بیشتر آن را نور یا روح الهی می‌نامند و آن را نیرویی می‌دانند که دل را به نیرویی قدسی منور می‌کند و به وسیله آن حقایق امور شناخته شده، حق و باطل از هم تمیز داده می‌شود و آن در مقام چشم برای قلب است.

این معرفت و یقین قلبی یکی از ارکان ایمان - که موضوع اصلی امتحان است - می‌باشد که باید برای تحصیل آن که در واقع تقویت رکنی از ارکان ایمان هست تلاش نمود، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اَلْإِيْمَانُ عَلَى اَرْبَعٍ دَعَائِمٍ الصَّبْرُ وَ الْيَقِيْنُ وَ الْعَدْلُ وَ الْجِهَادُ... وَ الْيَقِيْنُ عَلَى اَرْبَعٍ شُعَبٍ عَلَى تَبْصِرَةِ الْفِطْنَةِ وَ تَأْوُلِ الْحِكْمَةِ وَ مَوْعِظَةِ الْعِبْرَةِ وَ سُنَّةِ الْاَوَّلِيْنَ فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَبَيَّنَ الْحِكْمَةَ وَ مَنْ تَبَيَّنَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ وَ مَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ فَكَانَ مَا كَانَ فِي الْاَوَّلِيْنَ»، وَ الْعَدْلُ عَلَى اَرْبَعٍ شُعَبٍ عَلَى غَامِضِ الْفَهْمِ وَ غَمْرَةِ الْعِلْمِ وَ زَهْرَةِ الْحُكْمِ وَ رَوْضَةِ الْحِلْمِ فَمَنْ فَهَمَ فَسَّرَ جَمَلَ الْعِلْمِ وَ مَنْ عَلِمَ عَرَفَ شَرَائِعَ الْحُكْمِ وَ مَنْ عَرَفَ شَرَائِعَ الْحُكْمِ لَمْ يَضِلَّ وَ مَنْ حَلَمَ لَمْ يَفْرُطْ فِي اَمْرِهِ وَ عَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيْدًا»، ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، و یقین، و عدل، و جهاد... و یقین

چهار شعبه دارد: باریک بینی، و درک حقایق، و اندرز گرفتن از عبرتها، و روش پیشینیان. پس هر که در امور دقیق بینا شود حقیقت‌شناس گردد، و هر که بحقایق رسد [عبرت‌شناس شود، و هر که عبرت‌شناس باشد] با سنت آشنا شود و هر که سنت را بشناسد گویا که با پیشینیان بوده است. و عدل چهار شعبه دارد: و تیزفهمی (یا ژرف‌فهمی). و دانش بسیار، و شکوفه حکم (و داوری)، و بوستان حلم و بردباری. پس هر که بفهمد مجملات علوم را تفسیر کند، و هر که عالم شود راهها و قوانین حکم را بشناسد، و هر که راهها و قوانین حکم را بشناسد گمراه نگردد، و هر که بردباری کند در کارهایش زیاده روی نرزد و در میان مردم خوشنام و ستوده زید. عصر غیبت امام، عصر حیرت و مخلوط شدن حق و باطل هست که همین امر موجب گمراهی افراد زیادی می‌شود، لذا به همین علت از جمله ویژگیهای بارز منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت، فهم و معرفت عمیق ایشان شمرده شده است، امام سجاد علیه السلام فرمودند: «تَمَتُّدُ الْغَيْبَةِ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ الْأَيْمَةِ بَعْدَهُ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيَعَتَنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا».

با توجه به حساسیت خاص عصر غیبت امام مهدی علیه السلام، تلاش برای معرفت و باور قلبی هرچه بیشتر به اصول دین و به ویژه شناخت خود حضرت، مورد سفارش فراوان قرار گرفته که روایات ذیل به خوبی بیان‌گر این معنی می‌باشد:

الف. امام صادق علیه السلام: «يَا زُرَّارَةَ مَتَى أُذِرْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ (الغيبه) فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أُعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أُعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

ب. «عَبْدِ الْخَالِقِ الصِّيْقَلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَقَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلَنِي أَحَدًا إِلَّا مِنْ شَاءِ اللَّهِ قَالَ مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْبَيْتُ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ عَرَفْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا كَانَ آمِنًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

ج. امام سجاد علیه السلام: «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرَى أَمَّا الْأُولَى فَسِتَّةُ أَيَّامٍ وَ سِتَّةُ أَشْهُرٍ وَ سِتُّ سِنِينَ وَ أَمَّا الْآخِرَى فَيَطْوِلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ

بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

گفتار پنجم: ورع و پرهیزگاری

اگر بخواهیم تمام مواضع قرآن را در یک جمله خلاصه کنیم به جرأت می توان گفت که آن جمله تقوای الهی است، به قدری در آیات و روایات معصومین علیهم السلام به پرهیزگاری توصیه شده که اهمیت این روحیه در سرنوشت آدمی و نقش آن را در سعادت و رستگاری قابل تردید نیست؛

جناب ابوذر می فرماید به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «التَّقْوَى لَا عِوَضَ عَنْهَا [عَنْهَا] وَ لَا خَلْفَ فِيهِ».

به همین موازات از سفارشهای عمده امامان بزرگوار شیعه در عصر غیبت، امر به حفظ تقوا و خویشتن داری است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنْ لَصَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لَشَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنْ لَصَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ».

هم ایشان فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأُيُمَّةَ خَاصَّةً وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ الْوَرَعَ وَ الْجِتْهَادَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ ع ثُمَّ قَالَ إِنْ لَنَا دَوْلَةٌ يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ».

سعی در کسب، حفظ و تقویت تقوای الهی بدون شک تأثیر شگرفی در توفیق ما خواهد داشت.

گفتار ششم: کوشی در انجام وظایف

از جمله عوامل پیروزی و سربلندی ما در عصر غیبت، تلاش در جهت انجام هرچه بهتر تکالیفی است که برعهده ماست، این کافی نیست که ما در مقابل موانع سر خم نکنیم و منحرف نشویم،

بلکه باید به جلو هم حرکت نماییم و متوقف نشویم ، از این رو سفارش زیادی به انجام دستورهای مشخص الهی در زمان غیبت امام دوازدهم شده است، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: فکیف نضع جعلت فداک حینئذ قال إذا کان ذلک و لن تدرکه فتمسکوا بما فی أیدیکم حتی یتضح لکم الأمر.

همان‌گونه که بارها گفته شد هدف اصلی امتحان انسان، فهم صدق ایمان اوست و جهاد و کوشش در انجام وظایف یکی از ارکان ایمان است، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الْإِيْمَانُ عَلَى أَرْبَعٍ دَعَائِمَ الصَّبْرِ وَالْيَقِيْنِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ وَالصَّبْرُ... وَالْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصَّدَقِ فِي الْمَوْاطِنِ وَ شَنْتَانِ الْفَاسِقِيْنَ فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ - وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْكَافِرِ وَ مَنْ صَدَقَ فِي الْمَوْاطِنِ قَضَى مَا عَلَيْهِ - وَ مَنْ شَنِىَ الْفَاسِقِيْنَ غَضِبَ لِلَّهِ وَ مَنْ غَضِبَ لِلَّهِ تَعَالَى فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقًّا فَهَذِهِ صِفَةُ الْإِيْمَانِ وَ دَعَائِمُهُ - فَقَالَ لَهُ السَّائِلُ لَقَدْ هَدَيْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ أَرشُدْتِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الدِّيْنِ خَيْرًا». ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر و یقین و عدل و جهاد... و جهاد چهار شعبه دارد: امر بمعروف و نهی از منکر و پایداری در جبهه‌ها و کینه‌توزی با فاسقان. پس هر که امر بمعروف کند پشت مؤمن را محکم ساخته، و هر که نهی از منکر کند بینی کافر را بخاک مالیده، و هر که در جبهه‌ها پایداری کند به عهد و وظیفه خود عمل نموده، و هر که با فاسقان کینه توزد برای خدا خشم گرفته، و هر که برای خدا خشم بگیرد حقیقتاً مؤمن است.

بنابراین باید برای حفظ ایمان، علاوه بر پشت‌سر گذاشتن موانع ایمان، به لوازم ایمان و احکام خدا هم عملاً پایبند بود که امام صادق علیه السلام فرمود: الْإِيْمَانُ عَمَلٌ كَلَّهُ. امام صادق علیه السلام فرمود: «فَتَرَةً لَا يَعْرِفُ الْمُسْلِمُونَ فِيهَا إِمَامَهُمْ فَقَالَ يُقَالُ ذَلِكَ قُلْتُ فَكَيْفَ نَضَعُ قَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَتَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يُبَيِّنَ لَكُمْ الْآخِرَ».

گفتار هفتم: دعا و نیایش

انسان مؤمن برای مقاومت در برابر مشکلات و حرکت به سوی مقصد الهی خویش، علاوه بر توشه علم برای تعقل و اندیشه، نیازمند انرژی و شادابی و انگیزه قلبی است؛ از این رو مجاهدان فی سبیل الله در قرآن برای تقویت روحی خویش از این عنصر روح‌بخش مدد می‌گیرند و آنجا که با جالوت‌های زمان به نبرد برمی‌خیزند، این‌گونه با خدای خویش مناجات می‌کنند که «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ».

نیایش با خدا نه تنها باعث بالابردن روحیه می‌شود، بلکه منبع بسیار خوبی برای درک و رساندن معارف عمیق الهی به قلب ماست که همین امر در ثابت قدمی تأثیر فوق العاده‌ای دارد، از این رو در روایات معصومین دعای با توجه، جزء برنامه حتمی مؤمنان و منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شمرده است، امام صادق علیه السلام فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صِرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرُونَ فِيهَا إِمَامَ هُدًى وَ لَا عَلَمًا يَرَى فَلَا يَنْجُو مِنْ تِلْكَ الْخَيْرَةِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ. موضوع پرداختن به دعا در نزد ائمه آنقدر اهمیت داشته که حتی در بعضی از روایات دعاهاى خاصى نیز به ما تعليم داده شده است، امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ وَ أَوْ مَا بَيَّدهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةَ وَ هُوَ الْمُنْتَظَرُ وَ هُوَ الَّذِي يُشَكُّ فِي وِلَادَتِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ بَلَا خَلْفٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمَلٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ غَائِبٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ وُلِدَ قَبْلَ وِفَاةِ أَبِيهِ بِسِنِينَ وَ هُوَ الْمُنْتَظَرُ غَيْرَ أَنْ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ قُلُوبَ الشَّيْعَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ يَا زُرَّارَةَ قَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَى شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَةَ مَتَى أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

نکته بسیار مهم دیگر در باب دعا آن است که نه تنها دعا در جنبه فردی اثر زیادی دارد بلکه حتی در جلو افتادن ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه نیز بسیار مؤثر است، امام صادق علیه السلام فرمود: «فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَ بَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَ هَارُونَ يَخْلَصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةً سَنَةً قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ».

آخرین نکته در این مسأله زمان پرداختن به مناجات است؛ گرچه هر زمانی برای دعا خوب است اما بدون تردید سحرگهان در تأثیر دعا بر جان و روح آدمی فوق العاده هستند، قرآن می‌فرماید: *إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ أَقْوَمُ قِيلًا.*

بنابراین همه ما باید در عصر خوف‌ناک حیرت و غیبت امام معصوم برای نجات و ظهور منجی عالم، دعا و ارتباط با خداوند عالم را حتماً در رأس برنامه‌های خود قرار داده و بویژه از اثر خاص شب‌زنده‌داری غفلت نورزیم.

گفتار هشتم: توکل به خدا

چه کسی می‌تواند بدون تکیه به قدرت لایزال الهی از گردنه دشوار غیبت امام زمان بگذرد و جان و ایمان به سلامت بیرون ببرد، چرا که این صدای رسای قرآن است که «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذِلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» مردان موفق، همواره توکل بر پروردگار عالم را در سرلوحه برنامه‌های خویش داشتند و قرآن نیز به توجه جدی آنها به این عنصر تضمین کننده موفقیت بارها اشاره نموده است: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مَنْ اللَّهُ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ».

بنابراین توکل برای مؤمنان، قویترین سلاحها است و لکن باید در فهم دست توکل و ایجاد زمینه‌های آن دقت لازم مبذول شده تا خدای نکرده این عنصر تقویت کننده وسیله‌ای برای تنبلی و کوتاهی در انجام وظایف ما نگردد.

نتیجه‌گیری

آنچه ذکر شد، مجموعه عواملی بود که معرفت به آنها و عمل دقیق در پرتو این شناخت، می‌تواند ضامن خوبی برای موفقیت و عبور از بحران عصر غیبت امام مهدی علیه السلام باشد؛ امید است که همه مؤمنان و پیروان آن حضرت با توجه به این عوامل، از این آزمون بزرگ، سربلند بیرون آیند، ان شاء الله.

منابع

- الخصال ج ٢ ص ٥٢٥
تحف العقول ص ٨٥
الكافي ج ١ ص ٢٦
الحياة ، ترجمه احمد آرام ج ٤ ص ١٥١
يادداشت‌های شهيد مطهری، ج ٩، ص: ٣٢٧
الخصال-ترجمه فهري، ج ١، ص: ١١٣
نهج البلاغه، نامه ٥٣، ص ٤٤٤
كشف الغمة، ج ٢ ص ٥٢١
الكافي، ج ١ ص ٣٣٨
الغيبه للنعماني، ص ١٧١
الكافي، ج ١ ص ٣٤٠
الكافي، ج ١ ص ٣٣٨
كشف الغمة، ج ٢ ص ٥٢٧
مقاييس اللغة، لسان العرب؛ مصباح المنير، ذيل ماده محن
لسان العرب، ذيل ماده محن
التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ذيل ماده محن
المفردات في غريب القرآن، لسان العرب
التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ذيل ماده فتن
لسان العرب، المنجد
تفسير نمونه، ج ١ ص ٥٣٣
لسان العرب، ذيل ماده فتن
المفردات في غريب القرآن، العين
التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ذيل ماده محص
همان، ذيل ماده بلو
عنكبوت، آيه ٢
فاطر، آيه ٤٣

همان

تفسير نمونه، ج ١٦ ص ٢٠٣-٢٠٤؛ دائرة المعارف قرآن كريم، ج ٤ ص ٢٦٧

بقره، آيه ١٢٤؛ طه، آيه ٤٠

الكافي، ج ٢ ص ٢٥٢

الميزان في تفسير القرآن، ج ٤ ص ٣٢

آل عمران، آيه ١٤١

هود، آيه ٧؛ ملك، آيه ٢

عنكبوت، آيه ٣

محمد، آيه ٣١

نهج البلاغه، حكمت ٩٣

آل عمران، آيه ١٧٩

ترجمه الميزان، ج ٤ ص ٥٤

الكافي، ج ١ ص ٣٣٥

الغيبه للنعماني، ص ٢٠٤

الغيبه للنعماني، ص ٢٠٦

الغيبه للطوسي، ص ٣٣٧

مؤمنون، آيه ١

مائده، آيه ٣

الكافي، ج ١ ص ١٩٩

مفاتيح الجنان، زيارت جامعه كبيره

الغيبه للنعماني، ص ١٥٤

الكافي، ج ١ ص ٣٧٠

الغيبه للنعماني، ص ٢٠٧

الغيبه للطوسي، ص ٤٥٦

الغيبه للطوسي، ص ٤٥٦

الكافي، ج ١ ص ٣٣٣

كمال الدين، ج ١ ص ٣٢٣

بحار الأنوار، ج ٥٢ ص ١٢٤

انبیاء، آیه ۳۵
اعراف، آیه ۱۶۸
تغابن، آیه ۱۵
انعام، آیه ۱۶۵
طه، آیه ۱۳۱
بقره، آیه ۱۵۵
یونس، آیه ۸۵
آل عمران، آیه ۱۴۲
نحل، آیه ۹۱-۹۲
کفایة الأثر، ص : ۶۳
الغیبة للنعمانی، ص : ۲۳۵
الكافی ج ۵ ص ۵۵
یس، آیه ۲
إسراء، آیه ۹
إسراء، آیه ۸۲
أعلام الدین، ص ۳۳۳
نهج البلاغه، خطبه ۲
عیون أخبار الرضا، ج ۱ ص ۲۹۲
الكافی، ج ۱ ص ۲۹۳
عنكبوت : ۲
الغیبة للنعمانی، ص ۱۵۱
بحار الأنوار، ج ۵۰ ص ۲۰۸
ابراهیم، آیه ۲۷
با الهام از فرهنگ قرآن، ج ۳ ص ۲۰۶
نحل، آیه ۱۰۲
انفال، آیه ۴۳
أحزاب، آیه ۲۶
فتح، آیه ۱۸

بقرة، آيه ١٥٥
تفسير نور الثقلين، ج ١ ص ١٤٢
قصص، آيه ٨٠
بقرة، آيه ١٥٣
الكافي، ج ٢ ص ٨٧
غررالحكم، ص ٢٨٤
من لا يحضره الفقيه، ج ٤ ص ٤١٢
كهف، آيه ٦٨
أمالى المفيد، ص ٢٧٨
تصنيف غرر الحكم، ص ٤١
الكافي، ج ١ ص ٣٤
كمال الدين، ج ١ ص ٢٥١
كنز العمال، ج ٣٠٨٨٣؛ ميزان الحكمه، ج ٧ ص ١٥٣٣٥
دائرة المعارف قرآن كريم، ج ٥ ص ٥٧٥
أمالى المفيد، ص ٢٧٨
كمال الدين، ج ١ ص ٣١٩
الغيبه للنعماني، ص ١٦٦
الكافي، ج ٤ ص ٥٤٥
كمال الدين، ج ١ ص ٣٢٣
وسائل الشيعة، ج ١٥ ص ٢٨٩
غررالحكم، ج ٢٦٨
الغيبه للنعماني، ص ١٦٩
همان، ص : ٢٠٠
الغيبه للنعماني، ص ١٥٩
أمالى المفيد، ص ٢٧٧-٢٧٨
الكافي، ج ٢ ص ٣٤
الغيبه للنعماني، ج ١٥٨
بقرة، آيه ٢٥٠

الغيبۃ للنعمانی، ص ۱۵۹

همان، ص ۱۶۶

بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۱۳۲

مزمل، آیه ۶

آل عمران، آیه ۱۶۰

همان، آیه ۱۷۳-۱۷۴